

مطالعه کیفی موانع و چالش‌های مادری زنان شاغل در شهر تهران

رسول صادقی^۱

زهرا شهابی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲۴

چکیده

زنان شاغل در فرایند مادری با مسائل و چالش‌های عدیده‌ای مواجهند. آن‌ها با مادرشدن، در معرض نقش‌های چندگانه و فشارهای ناشی از آن‌ها قرار می‌گیرند. در این راستا، هدف از این مقاله فهم ادراک و تجربیات زنان شاغل تحصیل‌کرده دانشگاهی از فرایند مادری و چالش‌های مرتبط با آن است. روش پژوهش، کیفی و مشارکت‌کنندگان ۳۰ زن ۲۰ تا ۴۰ ساله متأهل و شاغل با تحصیلات دانشگاهی در شهر تهران هستند که در زمان مصاحبه یک فرزند داشتند و مادری را تجربه کرده‌اند. داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه عمیق گردآوری، و به شیوه تحلیل محتوای متعارف تحلیل شده است. نتایج پژوهش در چهار مقوله شامل پارادوکس سختی و لذت‌بخشی مادری، هویت‌یابی نقشی چندگانه، فشار نقشی مادری و شاغلی و موانع شغلی مادری و فرزندآوری استخراج و بحث شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زنان شاغل تحصیل‌کرده به دلیل داشتن مسئولیت‌های چندگانه اعم از مادری، همسری، شاغلی و در برخی موارد حتی دانشجویی و فراهم‌نبودن حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی لازم، همچنین تجربه مادری به مراتب سخت‌تر و مسائل و چالش‌های بیشتری در این زمینه، در مقایسه با سایر زنان با مشکلات بیشتری مواجهند. به‌طورکلی، با وجود همه مشکلات پیش روی زنان شاغل مادری برای آنان اهمیت و ارزش بالایی دارد، اما این نیاز و ارزش با توجه به شرایط شغلی و اجرانشدن سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی از مادران شاغل عمدتاً در یک فرزند خلاصه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زنان، سیاست‌های خانواده‌محور، فشار نقش، فرزندآوری مادری، مطالعه کیفی.

۱. دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق مؤسسه مطالعات جمعیتی کشور (نویسنده مسئول)، rassadeghi@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی از دانشگاه تهران، zahra.shahabi.dk@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

حضور پررنگ زنان در آموزش عالی ایران، پدیده‌ای نسبتاً متأخر و به دو دهه اخیر مربوط است. در بستر فرایند نوسازی و توسعه در ایران، به‌ویژه از دهه ۱۳۶۰ به این طرف، دسترسی به تحصیل برای همه اقشار و طبقات اجتماعی فراهم شد؛ به‌گونه‌ای که خانواده‌های روستایی نیز ترغیب شدند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند. نسبت جنسی دانشجویان دانشگاه‌ها به نفع دختران تغییر کرد و دختران سال‌های بیشتری را در مدارس و دانشگاه‌ها سپری کردند (خسرو خاور و قانع‌راد ۲۰۱۰؛ عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۹۲). اگرچه تحصیلات عالی زنان در ایران به فرصت‌های شغلی مورد انتظار منجر نشده، تحصیلات به بخش مهمی از زندگی آنان تبدیل شده است و بخش زیادی از آن‌ها نیز علاقه دارند به بازار کار وارد شوند (عباسی‌شوازی و همکاران، ۲۰۰۹).

به‌دنیاآوردن و تربیت‌کردن بچه جنبه مهمی از زندگی زنان را تشکیل می‌دهد (ابوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۸۱)؛ از این‌رو، همان‌طور که دیوید^۱ بیان می‌کند مادری نه‌تنها مفهومی اجتماعی است، بلکه مهم‌ترین حرفه زن و هویت اصلی او تلقی می‌شود و حتی مفهوم تاریخی خاصی نیز دارد. وی مادری‌کردن را برای زنان، حرفه‌ای تمام‌وقت می‌داند که به‌طور طبیعی قابلیت انجام آن را دارند (همان، ۱۸۲)؛ با این حال، در دهه‌های اخیر حضور زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته و موافقت بیشتری با اشتغال و ضرورت کسب آگاهی و دانش برای آنان ایجاد شده است و زنان از موقعیت و پایگاه بالاتری نسبت به دهه‌های قبل برخوردار شده‌اند. با افزایش اشتغال، تحصیلات و آگاهی زنان، ساختار سنتی خانواده تغییر یافته و زمینه تغییراتی در رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری^۲ زنان فراهم شده است (عباسی‌شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۹). تحصیلات، شاخص مستقیم و قدرتمندی از موقعیت زنان است؛ بنابراین، تمایل قوی زنان برای ادامه تحصیل، بر وضعیت و موقعیت آن‌ها در زندگی زناشویی و در نتیجه باروری پایین‌تر تأثیر می‌گذارد؛ از این‌رو، افزایش سطح تحصیلات نیروی اصلی نهفته در پس کاهش‌های باروری است (کالدول ۱۹۷۸؛ عباسی‌شوازی و حسینی ۱۳۸۸؛ عباسی‌شوازی و همکاران ۲۰۰۹). علاوه بر این، میزان مشارکت اقتصادی زنان در جامعه ایران هرچند پایین و کمتر از ۲۰ درصد است، مطالعات نشان می‌دهد زنان شاغل در مقایسه با هم‌تایان خانه‌دار خود باروری کمتری دارند؛ از این‌رو، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان در شرایطی که سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی از مادران شاغل وجود ندارد به کاهش باروری منجر می‌شود (صادقی، ۱۳۹۵).

بنابراین، زنان به دلیل مقتضیات زمانه خود علاقه‌مند یا ناچار به مشارکت در بازار کار هستند و از آنجا که وظیفه تولیدمثل و فرزندآوری به صورت طبیعی بر عهده آنان است، داشتن نقش‌های چندگانه^۱ در یک زمان واحد می‌تواند سبب تأثیرگذاری منفی بر نقش و فرایند مادری^۲ شود؛ از این رو، هدف از مقاله پیش‌رو فهم ادراک و تجربیات زنان شاغل تحصیل‌کرده دانشگاهی از فرایند مادری و چالش‌های مرتبط با آن با استفاده از انجام پژوهشی کیفی در شهر تهران است. در این راستا، این دو پرسش مطرح می‌شود که زنان شاغل با چه موانع و چالش‌هایی در فرایند مادری مواجهند و این موانع و چالش‌ها را چگونه درک و معنا و تفسیر می‌کنند؟

چارچوب مفهومی

در بررسی‌های کیفی به‌جای استفاده از چهارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیات، از چهارچوب مفهومی جهت استخراج پرسش یا پرسش‌های تحقیق استفاده می‌شود. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم و موضوع‌های عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد. در تحقیق حاضر از رویکرد جامعه‌شناسی تفسیری یا تفسیرگرایی اجتماعی استفاده شده است؛ بنابراین، چارچوب مفهومی مقاله حاضر از نظریه‌های فمینیستی، نظریه‌های اقتصادی، نظریه برابری جنسیتی^۳ و نظریه گذار دوم جمعیتی^۴ برگرفته شده است.

گفتنی است که رویکردهای فمینیستی نگاه مشابهی به فرایند مادری و نقش مادری برای زنان ندارند. برخی از فمینیست‌ها، صرف تولیدمثل و مادری را باری بر دوش زنان می‌دانند. این گروه کلید آزادی و راه‌هایی زنان از این بار ظالمانه را جلوگیری از فرزندآوری با استفاده از فناوری جدید پیشگیری از موالید می‌دانند. دسته دیگری از نظریه‌پردازان فمینیست، نگاه معتدل‌تری به پدیده مادری دارند، ولی معتقدند زنان باید سطح آگاهی‌های خود را افزایش دهند و درمورد فرزندآوری‌شان آگاهانه تصمیم بگیرند (دوبووار، ۱۳۸۰؛ فریدمن، ۱۳۸۱؛ تانگ، ۱۳۸۷). به‌طور خلاصه، نظریات فمینیستی مادرشدن را مانعی بر سر راه آزادی و استقلال زنان می‌داند و معتقد است مادرشدن زنان را از مشارکت در حوزه‌های اجتماعی محروم می‌کند و سبب می‌شود مادر

-
1. Multiple roles
 2. Motherhood
 3. Gender equity
 4. Second demographic transition

همیشه ناراضی باشد، در نتیجه مادرشدن نباید وظیفه طبیعی زن شناخته شود و این خود زن است که باید در این باره حق انتخاب داشته باشد.

گفتنی است نظریه‌های اقتصادی بر این باورند که باروری براساس درآمد و هزینه‌های فرزند تعیین می‌شود. افزایش درآمد و کاهش قیمت، تقاضا را برای فرزندان افزایش خواهد داد. اگرچه لازم است بین کمیت و کیفیت فرزندان خواسته شده تفاوت قائل شد، کیفیت فرزندان به‌طور مستقیم به میزان صرف‌شده برای آن‌ها، و تعداد فرزندان موردنظر به درآمد بستگی دارد (بکر، ۱۹۶۰؛ فریدمن و همکاران ۱۹۹۴). براساس این نظریه، فرزندآوری برای مادران تحصیل‌کرده و شاغل، هزینه فرصت بیشتری دارد، در نتیجه آنان برای اجتناب از این امر فرزندآوری خود را محدود می‌کنند.

در نظریه برابری جنسیتی، پیتر مک دونالد (۱۹۹۷) استدلال می‌کند که باروری بدون تغییر در جایگاه زنان در خانواده تغییر نمی‌کند. وی معتقد است تمامی کاهش‌های باروری به تغییر در ماهیت رابطه زن و شوهر مرتبط است که جایگاه بالاتری برای زن در بسیاری از جوامع سنتی مردسالار فراهم می‌کند. زنانی که به مشارکت در نهادهای فردمحور ارزش می‌گذارند، چنانچه نقش خانوادگی بالقوه آینده آن‌ها با انتظاراتشان به‌عنوان یک فرد ناهماهنگ باشد، با مشکل مواجه خواهند شد. در چنین شرایطی برخی از زنان تصمیم می‌گیرند از نقش خانوادگی‌شان پرهیز کنند تا نقش فردی‌شان؛ یعنی آن‌ها یک رابطه دائمی را شکل نخواهند داد، یا اینکه بچه‌ای نخواهند داشت یا شمار فرزندان آن‌ها کم‌تر از آن چیزی خواهد بود که می‌خواهند داشته باشند.

نظریه گذار دوم جمعیتی، کاهش باروری و کمرنگ‌شدن نقش مادری را به تغییرات فرهنگی و ارزشی در سطح جامعه نظیر افزایش‌ها در استقلال فردی، خود واقعی‌سازی، انقلاب جنسی و استقلال اقتصادی زنان مرتبط می‌کند (وندکا و دیرک، ۲۰۰۲). در اثر این تغییرات ایده‌ای و فرهنگی، مفهوم مادری دچار تغییر شده است؛ بدین ترتیب گسترش ایده‌های فمینیستی، تغییر ایده‌ها و تحولات فرهنگی، برابری جنسیتی، ناهماهنگی در نهادهای فردمحور و خانواده‌محور در نگاه به مادران شاغل، افزایش هزینه‌های اقتصادی و هزینه‌های فرصت، گسترش عقلانیت اقتصادی و اجتماعی و غیره از جمله زمینه‌ها و تحولاتی است که در درک مسائل و موانع مادری زنان شاغل در نظریه‌های مورد بررسی بر آن تأکید شده است.

پیشینه تحقیق

مسائل و موانع مادری زنان شاغل در مطالعات مختلفی مستند شده است. کورمن و نیومارک (۱۹۹۲) با استفاده از داده‌های پانلی پویایی‌های درآمدی زنان ۳۵ تا ۴۹ ساله در انگلستان نشان دادند به دلیل اینکه زنان زمانی را صرف بارداری و شیردهی فرزندان خود می‌کنند، در مقایسه با مردان تجربه و سابقه کمتر، در نتیجه درآمد کمتری دارند. باید توجه داشت که پیامدهای منفی فرزندآوری بر درآمد برای فرزند دوم و بالاتر بیشتر خواهد بود. اندرسون و همکاران (۲۰۰۲) نیز در مطالعه خود به این نکته اشاره می‌کنند که زنان تحصیل کرده‌تر فرصت‌های اقتصادی بیشتر، منابع جایگزین بیشتر و عزت نفس بیشتری در مقایسه با زنان کمتر تحصیل کرده دارند و در نتیجه کمتر درگیر نقش مادری و فرایند فرزندآوری می‌شوند.

وود و نیوتن (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که مادرشدن هزینه‌های بیشتری به زنانی که شاغل هستند و کسانی که در شغل یا حرفه خود بیشتر متعهدند تحمیل می‌کند. نرخ بالای بی‌فرزندی در میان مدیران نشان می‌دهد که زنان مدیر، به احتمال زیاد مادری را مانعی در مسیر ارتقاء و موفقیت شغلی می‌دانند. همچنین، میسرا و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که مسائل هزینه‌های مادری به‌طور خاص، زمانی که سیاست‌های حمایت از خانواده محدود است، تشدید می‌شود.

در ایران نیز پژوهش‌ها و مطالعاتی در ارتباط با مسائل مادری و فرزندآوری زنان شاغل انجام شده است. مقصودی و بستان (۱۳۸۳) در بررسی مشکلات هم‌زمانی نقش‌های خانوادگی و اجتماعی به این نتیجه رسیدند که زنان شاغل با هر پست سازمانی و با هر میزان ساعات کار و درآمد، با مشکلات زیادی در رابطه با نقش‌های خانگی و فرزندداری مواجهند. بابایی فرد (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای درباره تأثیر اشتغال زنان بر خانواده و روابط اجتماعی در شهر آران و بیدگل به این نتیجه رسید که به موازات افزایش فشار کاری، زنان شاغل در زمینه‌های روابط اجتماعی، خانه‌داری، همسرداری و بچه‌داری با مشکل مواجه می‌شوند.

اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل استدلال می‌کنند که این زنان با چالش‌های درون‌شغلی و برون‌شغلی متعددی در زمینه فرزندآوری مواجهند که به افزایش تضاد بین خانواده و کار منجر می‌شود و به دلیل کاهش حمایت‌های خانوادگی از زوجین جوان درخصوص نگهداری از فرزندان، زوجین به اتخاذ راهبردهای تأخیر در فرزندآوری و کاهش تعداد فرزندان سوق داده می‌شوند. احمدی فراز و همکاران (۱۳۹۳) نیز در بررسی

تجارب زنان شاغل بیان می‌کنند که نقش مادری برای زنان بسیار مهم است و از طرفی قبول نقش‌های همسری، مادری و شغلی در زنان شاغل سبب انتظارات نقشی متعددی می‌شود و ایفای این نقش‌ها در کنار هم برای مادران شاغل با تحمل مشکلات و سختی‌های بسیاری همراه است که با تجربه زنان غیرشاغل تفاوت دارد.

روش و داده‌ها

این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی تفسیری و روش تحقیق کیفی در شهر تهران در سال ۱۳۹۳ انجام گرفت. با توجه به اینکه برآوردهای باروری نشان می‌دهد شهر تهران پایین‌ترین سطح باروری در ایران را دارد (ضیایی بیگدلی و همکاران ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹) این شهر به‌عنوان میدان تحقیق انتخاب شد. همچنین مطالعات با رویکرد کمی (نظیر صادقی ۱۳۹۵؛ عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹) نشان داده است که زنان شاغل با تحصیلات دانشگاهی، پایین‌ترین سطح باروری را در ایران دارند؛ از این‌رو، این دسته از زنان به‌عنوان گروه هدف انتخاب شدند، همچنین با توجه به اینکه هدف پژوهش درک و فهم تجارب و مسائل مادری این دسته از زنان است، معیار داشتن فرزند (یک فرزند) برای تجربه مادری مبنای انتخاب مشارکت‌کنندگان قرار گرفت.

در نتیجه مشارکت‌کنندگان پژوهش را ۳۰ زن ۲۰ تا ۴۰ ساله متأهل و شاغل با تحصیلات دانشگاهی در شهر تهران تشکیل دادند که در زمان مصاحبه یک فرزند داشتند و مادری را تجربه کردند. شیوه نمونه‌گیری نیز بر نمونه‌گیری هدفمند^۱ و فن گلوله برفی مبتنی بوده است؛ بدین‌صورت که ابتدا یک نفر که خصوصیات لازم را داشت انتخاب شد سپس هنگام مراجعه به اداره یا شرکت مورد نظر، سایر افراد دارای ویژگی‌های مدنظر، توسط شخص اول و نفرات بعدی معرفی شدند. داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته گردآوری شد. به‌طور متوسط مدت‌زمان انجام مصاحبه‌ها حدود یک ساعت بود. پس از مصاحبه با بیست و دومین مشارکت‌کننده اشباع نظری حاصل شد، اما برای اطمینان هرچه بیشتر و رفع کردن برخی نواقص موجود در مصاحبه‌های پیشین، تعداد ۳۰ مشارکت‌کننده در نظر گرفته شده، همچنین داده‌های کیفی گردآوری‌شده به شیوه تحلیل محتوای متعارف تحلیل مقوله‌ها استخراج و تفسیر شده است.

نتایج پژوهش

ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش

همان‌طور که اشاره شد مشارکت‌کنندگان پژوهش را ۳۰ زن ۲۰ تا ۴۰ ساله متأهل و شاغل با تحصیلات دانشگاهی در شهر تهران تشکیل دادند که در زمان مصاحبه یک فرزند داشتند و مادری را تجربه کرده‌اند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۳۲/۳ سال و دامنه سنی فرزندان آنان بین ۹ ماه تا ۱۴ سال بوده است. سطح تحصیلات مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۲ نفر کاردانی (۶/۶ درصد)، ۱۴ نفر کارشناسی (۴۶/۶ درصد)، ۱۳ نفر کارشناسی ارشد (۴۳/۳ درصد) و ۱ نفر دکتری (۳/۳ درصد) است. ۱۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان اصالت غیرتهرانی داشتند و ۱۴ نفر اصالتاً تهرانی بودند. کمینه سابقه کاری مشارکت‌کنندگان ۳ سال و بیشینه آن ۱۹ سال است و افراد به‌طور متوسط ۹ سال سابقه کاری داشتند. ۲۵ نفر از مشارکت‌کنندگان شاغل تمام‌وقت و ۵ نفر از آنان شاغل پاره‌وقت بودند. وضعیت استخدامی ۱۲ نفر از این افراد رسمی، ۴ نفر پیمانی و ۱۴ نفر قراردادی بوده است.

بعد از انجام مصاحبه و گردآوری داده‌های کیفی، مصاحبه‌ها کدگذاری سپس مقوله‌ها استخراج شد. براساس این، نتایج در چهار مقوله شامل پارادوکس سختی و لذت‌بخشی مادری، هویت‌یابی نقشی چندگانه مادری، فشار نقشی مادری و شاغلی، و موانع شغلی مادری و فرزندآوری استخراج و در ادامه مقاله با نمونه‌هایی از نقل‌قول‌ها ارائه شد.

پارادوکس سختی و لذت‌بخشی مادری

به‌طور متوسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۵ سال بعد از ازدواج مادری را تجربه کرده‌اند. فاصله ازدواج تا مادری از ۱ تا ۱۲ سال در نوسان بوده است. ۲۱ نفر از مشارکت‌کنندگان بارداری خواسته و ۹ نفر بارداری ناخواسته (برنامه‌ریزی نشده) داشته‌اند؛ به بیان دیگر، حدود ۳۰ درصد بارداری برنامه‌ریزی نشده داشته‌اند. روش زایمان ۲۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان سزارین و تنها ۳ نفر از آنان زایمان طبیعی بوده است.

بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان تجربه دوران بارداری خود را سخت، اذیت‌کننده و گاهی وحشتناک می‌دانستند. بخشی از سختی‌ها و چالش‌های دوران بارداری آن‌ها به شرایط نامناسب مالی به دلیل سرکار نرفتن و استرس‌های کاری و شغلی مربوط بود. در این خصوص، فاطمه از مشارکت‌کنندگان در پژوهش تجربه خود را چنین بیان می‌کند:

«در دوران بارداری، افسردگی داشتم چون خیلی وضعیت بدی داشتیم، خیلی مشکل مالی داشتیم. مستأجر بودیم می‌خواستیم اثاث‌کشی کنیم. استرسم هم داشتم و استرسم بیشتر برای این بود که بعد از تولد بچه‌ام چه جوری برم سرکارم» (فاطمه، ۳۴ ساله).

مسائل و مشکلات مادری زنان عمدتاً به دوران بعد از زایمان برمی‌گردد. مشارکت‌کنندگان درباره تجربیات پس از زایمان در کنار حس هیجان و شادی از مواجهه با فرزند، به مشکلات و مسائل مختلفی از قبیل افسردگی، انطباق‌نداشتن مسئولیت‌های کاری با مسئولیت‌های مادری، ناتوانی در انجام آن‌ها و ناراحتی از محدودیت‌های ایجادشده، همچنین استرس برای بازگشت مجدد به محیط کار اشاره کردند. در این خصوص، یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت که علی‌رغم داشتن مرخصی زایمان، همه دغدغه و استرس‌هایش تمام‌شدن این مرخصی و چگونگی برگشتن به محیط کار بوده است.

«دغدغه‌ای که داشتم این بود که چون مرخصی زایمان ۶ ماه بود، همش استرس بعد از ۶ ماه رو داشتم. همه‌اش می‌گفتم بچه‌مو بعد از ۶ ماه چه جوری بزرگ کنم؟ ۶ ماهی که خونه بودم با کمال آرامش هم به خودم می‌رسیدم هم به بچه‌ام، همش می‌گفتم من چه جوری بعد از ۶ ماه بیام سرکار، همش استرس بعد از ۶ ماه رو داشتم» (آرزو، ۳۲ ساله).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان، تجربه بعد از زایمان خود را چنین بیان می‌کند:

«من برعکس بارداریم، بعد از زایمان خیلی بهم سخت گذشت، از کار بیرون منفک شده بودم. از بچه‌داری می‌ترسیدم، واقعاً نمی‌دونستم با یه بچه کوچولو چی کار کنم. فکر کنم از اونایی بودم که بعد از زایمان افسردگی داشتم. اصلاً دوست نداشتم توی خونه بمانم و یک زن خانه‌دار شوم» (مریم، ۳۲ ساله).

برخی (حدود یک‌سوم) از مشارکت‌کنندگان با توجه به شرایط شغلی و کاری خود، مادری را دوست نداشته و آن را تنها نتیجه اجبار محیطی (نظیر اجتناب از ننگ نازآبودن، عشق به همسر و فشار اطرافیان) می‌دانستند؛ برای نمونه، در این خصوص یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«من خیلی به بچه‌دار شدن فکر نمی‌کردم و خیلی رؤیای مادرشدن نداشتم» (اما چون عاشقانه ازدواج کردم و همسرم را دوست داشتم و همسرم نیز فرزند دوست داشت به خاطر همسر مادر شدم) (سمانه، ۳۱ ساله).

علی‌رغم مسائل و مشکلات زنان شاغل در فرایند مادری، برای حدود دوسوم مشارکت‌کنندگان مادرشدن خیلی مهم است و آن‌ها این تجربه را از نظر عاطفی و روانی بسیار شیرین و لذت‌بخش می‌دانند. این دسته از افراد، مهم‌ترین مزیت‌های مادری را موارد زیر برشمرده‌اند:

- بُعد عاطفی و احساسی مادری؛
- طی کردن روند طبیعی زندگی و تجربه مادری داشتن؛
- معنابخشی به ازدواج؛
- تکامل همه‌جانبه؛
- بقای نسل؛
- میراشدن از انگ نابارور بودن؛
- همدمی برای دوران پیری و بازنشستگی.

یکی از پاسخگویان حتی دلیل اصلی ازدواج خود را مادرشدن می‌دانست:

«اصلاً دلیل اصلی برای ازدواج با همسرم بچه‌دار شدن بود. می‌گفتم اگه می‌شد مریم مقدس بود ای کاش من یکی از اونا بودم که بدون ازدواج بچه‌دار می‌شد. اگه چیز دیگه‌ای این وسط وجود نداشت برام مهم نبود فقط برام مهم بود مادر بشم» (هانیه، ۳۳ ساله).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان، لذت و شیرینی مادری را چنین بیان کرده است:

«خوبه نعمته، اینکه احساس کنی یه موجودی رو داری به ثمر می‌رسونی خوبه، بالاتر از این‌ها مادر بودن یه تجربه‌ای داره که تا کسی مادر نشده نمی‌فهمه، از اینکه می‌بینی از هیچی یه موجودی به وجود میاد که می‌شه همه چی، به اوج معجزه خدا پی می‌بری» (مینا، ۲۹ ساله).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان به بعد عاطفی و احساسی مادری پرداخته و چنین بیان کرد:

«بحث مادرشدن بیشتر بحث عاطفیه فکر کنم، اگر صرف عقل براتون مهم باشه، می‌بینید که حداقل تا مدت‌ها مانع ادامه تحصیل، ارتقای شغلی و تفریح می‌شه، اگر عقل صرف رو در نظر بگیری عقلانی نیست. عقل صرف به آدم چی می‌گه؟ به خودت برس، خوش باش. اگه بگی ادامه نسل، عقل می‌گه حالا که من مرده‌ام، نسلم می‌خواد ادامه پیدا کنه یا نکنه، خیلی بیشتر از عقلانیت، بحث غریزه و عاطفه است. بحث احساسه که آدم باید یه موجودی رو بزرگ کنه. بی‌تعارف بگم، من خیلی پشتش عقلانیت نمی‌بینم، این عقلی که البته رایجه» (زینب، ۳۶ ساله).

بدین ترتیب، زنان شاغل در فرایند مادری خود با پارادوکس سخت و لذت‌بخشی مواجهند. بخشی از این وضعیت به شرایط کاری و شغلی این دسته از زنان برمی‌گردد.

هویت‌یابی نقش‌ی چندگانه

از نظر مشارکت‌کنندگان مفهوم مادر امروزی با مفهوم مادر قدیم فرق دارد. زنان در گذشته بعد از

مادرشدن به طور کامل نقش مادری را داشتند آنان به دلیل مسئولیت اجتماعی و مشغله و دغدغه ذهنی کمتر و زمان بیشتر برای نگهداری و رسیدگی به فرزندان داشتند؛ از این رو با ویژگی‌های خاصی نظیر داشتن فرزندان بیشتر، وابستگی به تجربه اطرافیان، امکانات کمتر و بالطبع فعالیت فیزیکی یا تساهل بیشتر در تربیت فرزندان، محبت، دلسوزی و توجه بیشتر به آن‌ها، صبر و تحمل زیاد، جدی و مستبد بودن و دوست نبودن با فرزندان و آگاهی کمتر روبه‌رو بودند که اکنون کمرنگ شده است. در خصوص مادری در گذشته و تغییرات آن در طول زمان یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد است:

«مادرهای امروزی به نظرم کم‌تحمّلن، اصلاً صبور نیستن، خیلی فردگران و به فکر پیشرفت‌های تحصیلی و شغلی خود هستند. مادرهای ما (مادران گذشته) خیلی صبورتر بودن، همه چیز رو برای بچه‌شون می‌داشتن، چیزی برای خودشون نمی‌خواستن، برای همینم بود که ۳-۴ تا بچه می‌آوردن، ولی الآن می‌گن یکی هم زیاده» (رؤیا، ۳۴ ساله).

در مقابل، مصاحبه‌شوندگان این ویژگی‌ها را برای مادران امروزی ذکر کردند: زمان کمتر برای رسیدگی و نگهداری از فرزندان، داشتن فرزند کمتر، صبر و حوصله کمتر، متکی نبودن به تجربه دیگران و به روز بودن، امکانات بیشتر، خودخواه و فردگرا بودن، سخت‌گیری بیشتر در تربیت فرزندان، تحصیلات و آگاهی بیشتر، مسئولیت بیشتر، مشغله و دغدغه‌های فراوان (اقتصادی، اجتماعی و...).

برای نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان که مادری ۳۲ ساله و دانشجوی دکتری است در مورد مادران امروزی چنین می‌گوید:

«مادرهای امروز مادر نیستند. بچه‌شونو می‌برن می‌ذارن مهد، ما الآن نه مادریم، نه همسریم، نه شاغلیم، نمی‌دونم یه چیز عجیبیم، شاید شاغل بودن برای یه مادر نکته مثبتی نباشه، تو اگر می‌خوای مادر باشی باید برای بچجات وقت، انرژی و حوصله داشته باشی. این سه تا سرکار مصرف می‌شه، هیچ‌کدوم از اینا رو نداری. این سه تا عاملو نداشته باشی نمی‌تونی مادر خوبی باشی» (مهناز، ۳۲ ساله).

از این رو در مقایسه مادران امروز و گذشته می‌توان نتیجه گرفت که مادران امروز امکانات رفاهی بیشتری دارند و نیازی نیست به اندازه زنان قدیم از جسمشان کار بکشند، اما به دلیل تحصیلات و آگاهی بیشتر گزینه‌های بیشتری برای زندگی‌شان پیش رو دارند، در نتیجه مثل گذشته فکر نمی‌کنند که باید همه زندگی‌شان در خانه‌داری و فرزندآوری خلاصه شود و لازم است به تعالی استعدادها و

توانایی‌های درونی خود نیز اهمیت دهند ضمن اینکه به دلیل حجم بسیار مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناگزیرند پایه‌های مردان برای تأمین معاش زندگی تلاش کنند و دیگر تنها زن خانه‌داری نباشند که بتواند تمام طول روز خود را صرف رسیدگی خانواده‌اش کند. در عین حال به دلیل هماهنگ نبودن محیط کاری با وظایف مادری و همسری تحت فشارها و استرس‌های شدید نیز قرار دارند و زمانی که به خانه می‌رسند خسته و بی‌حوصله از یک روز طولانی کاری هستند، در نتیجه زمان و محبت کمتری صرف فرزندان خود می‌کنند. علاوه بر این، به دلیل تغییر شرایط زندگی از خانواده گسترده و متمرکز و خانه‌های بزرگ و ویلایی به خانواده‌های هسته‌ای و پراکنده و خانه‌های آپارتمانی دیگر، آن همکاری و یاری که مادران قدیم از بستگان، دوستان، همسایگان و... برای نگهداری فرزند بهره‌مند بودند برای مادران امروزی امکان‌پذیر نیست.

مادران امروز برای تربیت فرزندان خود بیش از همه چیز به اطلاعات روز تکیه می‌کنند و استفاده از تجربیات گذشتگان را کمتر مفید می‌دانند. در مقایسه با مادران گذشته که روش‌های تربیتی خود را سینه‌به‌سینه از مادران و مادربزرگان خود می‌آموختند، مادران امروز با استفاده از منابع اطلاعاتی روش‌های تربیتی را برای فرزندان خود برمی‌گزینند که در آن مادران را به دوستی هرچه بیشتر با فرزند سوق می‌دهد، درحالی‌که در گذشته به دلیل تعدد فرزندان چه بسا تربیت فرزندان کوچک‌تر بر گردن فرزند ارشد خانواده می‌افتاد و والدین ارتباط چندان نزدیکی با فرزندان خود برقرار نمی‌کردند.

مادران امروزی، مادران تعداد کمتری فرزند هستند؛ با این حال از نظر عاطفی و احساسی مادرانی از جنس مادران گذشته هستند؛ یعنی به فرزندان خود عشق می‌ورزند و از تمام وجود خود برای رشد و سعادت آن‌ها مایه می‌گذارند، اما به دلیل تغییر نگاه به نقش زن در جامعه و مشکلات اقتصادی موجود، ناگزیر هستند نقش یک زن شاغل را علاوه بر نقش مادری که یک شغل تمام وقت است و نیازمند توان و زمان بسیار است برعهده بگیرند؛ بنابراین تحت فشار نقش و استرس‌های بیشتری قرار دارند.

فشار نقشی مادری و شاغلی

زنان شاغل با توجه به داشتن نقش‌های چندگانه مادری و کاری و گاهی دانشجویی، عمدتاً با فشار نقش مواجهند و همین وضعیت سبب شده است تا با مسائل و چالش‌های متعددی مواجه شوند که در زیر به برخی از این وظایف اشاره شده است؛

- خستگی مفرط و کمبود خواب؛
- کمبود وقت؛
- کمبود انرژی و آرامش؛
- استرس‌های کاری؛
- نداشتن کمک از سوی اطرافیان؛
- دل‌تنگی و نگرانی در محیط کار به دلیل دوری از فرزند؛
- چند برابر شدن حجم مسئولیت‌ها؛
- عذاب وجدان به دلیل سپردن فرزند به مهدکودک و...

ناتوانی و نبود شرایط برای ترکیب کار و بچه در زندگی زنان شاغل موجب شده است که از یک طرف در محیط کار، به‌لحاظ ذهنی آسوده‌خاطر نباشند و دائم به در فکر فرزند خود باشند. برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«من خیلی احساس عذاب وجدان داشتم، وقتی مهدکودک می‌سپردمش یا پیش مامانم بود، می‌گفتم اون‌طور که باید براش وقت نمی‌ذارم. احساس عذاب وجدان باعث می‌شد پسر ۴ ساله‌ام الآن خیلی بهم وابسته باشه. چون احساس می‌کنم وقتی باهامه باید براش وقت بیشتری بذارم» (فاطمه، ۳۲ ساله).

برخی از مشارکت‌کنندگان، فشار نقشی را بیشتر ناشی از شرایط شغلی، به‌ویژه زمان طولانی ساعات کار می‌دانند. برای مثال، الهه ۳۴ ساله در این زمینه می‌گوید:

«بزرگ‌ترین مشکل من همین شغلمه، من بیشتر با ساعت کاریم مشکل دارم. دوست دارم زودتر برم خونه؛ چون وسواسی هم هستم خیلی خسته می‌شم؛ کار خونه، کار بیرون، بی‌خوابی‌ها، صبح زود بیدار شدن، سردرد، اینا اذیت‌کننده است» (الهه، ۳۴ ساله).

از نظر بسیاری از مشارکت‌کنندگان آنچه آن‌ها را در انجام حجم زیاد مسئولیت‌هایشان یاری داده است، تلاش بیشتر و صرف انرژی چند برابر است که خود می‌تواند سبب فروتوت شدن هر چه زودتر این دسته از مادران شود.

علاوه بر موانعی که شرایط شغلی را برای انجام وظایف مادری به همراه دارد، برخی از مشارکت‌کنندگان وجود فرزند و شرایط مادری را مانعی در مسیر ازدست‌دادن شغل و پیشرفت‌های تحصیلی و شغلی می‌دانند؛ برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان تجربه خود را در ازدست‌دادن شغل به دلیل فرزنددار شدن چنین بیان می‌کند:

«اگه بخوام از تجربه خودم بگم، من تا زمانی که مادر شدم هم تو رادیو کار می‌کردم. هفته دوم بعد از تولد فرزندم بود که باید تو رادیو حرف می‌زدم، ولی من اصلاً آماده نبودم و کار اونجا رو از دست دادم. تا الانم نتونستم بهش برگردم» (مرضیه، ۲۷ ساله).

یا مشارکت‌کننده دیگری، فرزند را مانع ارتقای تحصیلی و شغلی خود دانسته و چنین می‌گوید: «شاید اگه بچه نبود می‌تونستم مدرکم رو بگیرم و دکتری بخونم. می‌تونستم تبدیل وضعیت بشم از کارمندی به هیئت‌علمی، البته بیشتر از این جهت مانع بوده که نتونستم درسمو ادامه بدم، البته با این یک سالی که گذشته و با دوره بارداریم می‌شه دو سال که از درس عقب افتادم» (زهرا، ۲۸ ساله).

تنها تعداد محدودی از مشارکت‌کنندگان بودند که اعلام کردند توانسته‌اند خود را با مسئولیت‌های مادری، شغلی، همسری و خانه‌داری هماهنگ کنند و فشار ناشی از مسئولیت‌های چندگانه را تا حدود زیادی کاهش دهند. این دسته از زنان شاغل، از منابع حمایتی زیر برخوردار بوده‌اند:

▪ کمک اطرافیان (مادر، خواهر، همسر، مادر همسر): به دلیل حجم زیاد مسئولیت‌های موجود، کمک اطرافیان نقش مهمی در مدیریت نقش‌ها دارد که بیشترین کمک را مادر فرد مصاحبه‌شونده انجام داده که معمولاً تا ماه‌های اول پس از زایمان، پرستاری از مصاحبه‌شونده و نوزادش را بر عهده داشته و پس از بازگشت به محیط کاری نیز تا مدت‌های طولانی عهده‌دار نگهداری از نوزاد بوده است؛ برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«آدم به‌تنهایی نمی‌تونه، به کمک اطرافیان نیاز داره. اگر کسی نبود نمی‌تونستم. مادرم باعث شد که راحت‌تر بتونم. خیلی سخته. آدم باید از خوابش و وقت‌های آزادش بزنه، ولی خب بالاخره خودش رو سازگار می‌کنه، اما در این زمینه حمایت خانواده و اطرافیان خیلی کمک بزرگیه» (نیره، ۲۴ ساله).

▪ پرستار بچه: برخی از افراد نیز به دلیل اینکه اطرافیان به آن‌ها کمک نمی‌کردند یا کمکشان کافی نبوده است از فردی به‌عنوان پرستار بچه کمک گرفته‌اند.

▪ برنامه‌ریزی دقیق برای انجام مسئولیت‌ها: رسیدگی به حجم زیادی از مسئولیت‌ها، مادران را مجاب کرده است که برای انجام فعالیت‌های خود، برنامه‌ریزی بسیار دقیقی داشته باشند.

▪ طرح دورکاری: که به‌موجب آن روزهای کمتری در سرکار حضور داشتند؛ برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره چنین گفت:

«من به شانس بزرگی که آوردم کارم خورد به دوره دورکاری. حسنش این بود که با اون دورکاریه یه روز می‌اومدم یه روز نمی‌اومدم و استراحت می‌کردم، می‌تونستم به کارهای خونه برسم. یکی هم میومد یه سری کارهای خونه رو انجام می‌داد که خودم خیلی اذیت نشم» (فیروزه، ۳۴ ساله).

▪ استفاده از ساعات شیردهی که براساس این قانون، یک الی دو ساعت زمان کاری مادران کاهش می‌یابد.

موانع شغلی مادری و فرزندآوری

همان‌طور که مشخص شد علی‌رغم مسائل و چالش‌های مادری برای زنان شاغل، مادری ارزش زیادی دارد و بیشتر مشارکت‌کنندگان با عشق و علاقه مادر شده‌اند، اما نکته مهم این است که بیشتر زنان شاغل به دلیل شرایط ساختاری و محیطی کار، مادری را در داشتن یک فرزند تعریف می‌کنند؛ به بیان دیگر، شرایط شغلی را محدودکننده فرزندآوری بیشتر می‌دانند.

براساس نتایج پژوهش، تنها یک پنجم (۲۰ درصد) مشارکت‌کنندگان به دنبال داشتن فرزند دوم در زندگی خود، و آن هم به دلیل تنه‌انبودن فرزند اول یا داشتن فرزند از جنس دیگر هستند؛ برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان که فرزند ۶ ساله‌ای دارد و تصمیم گرفته است فرزند دیگری داشته باشد، می‌گوید:

«یکی دیگه می‌خوایم، به دلیل مشکلات اقتصادی موجود شاید خیلی دچار مشکل بشیم، ولی از اونجایی که پسرم خیلی می‌خواد، احساس می‌کنیم نیازه. تصمیم گرفتیم کلاس اولشو که گذروند- چون در کلاس اول خیلی روی بچه فشار هست- دیگه ۸-۹ ساله که شد برای فرزند دوم اقدام کنیم. خودمونم از قبل تصمیم داشتیم، ولی لازمه یه چیزی باشه که ما رو هل بده، یکی از دلایلی که داره ما رو مجبور می‌کنه اجبارهای پسرمه» (بهاره، ۳۰ ساله).

حدود دو پنجم (۴۰ درصد) از مشارکت‌کنندگان دوست دارند فرزند دیگری داشته باشند، اما فعلاً شرایط اقتصادی و شغلی خود را مانع از تحقق داشتن فرزند دوم می‌دانند؛ از این‌رو دچار تردید در این زمینه شده‌اند؛ برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«والله بدم نمیداد که دوتا داشته باشم، ولی خب نگهداری ازش سخته؛ چون شاغلم و خانواده خودم اینجا نیستند و شوهرمم به خاطر شرایط کاری زود نمیداد خونه، دست تنهام. فعلاً تصمیمی برای بچه دوم ندارم» (زینب، ۳۶ ساله).

سایر مشارکت‌کنندگان (۴۰ درصد) به دلیل شرایط کاری خود و سختی‌های ترکیب کار و بچه در زندگی تصمیم و برنامه‌ای برای داشتن فرزند دیگر (فرزند دوم) نداشتند؛ برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید:

«چون شرایط شغلی و کاریم جوریه که ۶ صبح از خونه میام بیرون، وقتی می‌رسم خونه ۸-۹ شبه. بالاخره این بچه‌ای که میاد هم نیاز به پدر داره و هم مادر، با کمک هر دو خانواده پدری و مادری تونستیم بچه رو تا اینجا برسونیم. امسال شرایطش خاصه، مدرسه می‌ره، بالاخره به جوری ساپورتمون کردن. وقتی به یه بچه دیگه فکر می‌کنم، اون نیاز به توجه داره، اگر روال کاریم این‌جوری باشه نه نمی‌خوام» (نفیسه، ۳۶ ساله).

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان شرایط زندگی خود را مناسب داشتن فرزند دوم نمی‌دانست:

«شرایط زندگیم اصلاً ایجاب نمی‌کنه برای فرزند دیگه، چون خیلی سختی کشیدم به خاطر شرایط کاریم، مادرم برای فرزندم خیلی به زحمت افتاد، ترجیح می‌دم همین یکی باشه. هیچ برنامه‌ای برای فرزند دوم ندارم» (فاطمه، ۳۴ ساله).

به‌طورکلی مهم‌ترین موانع شغلی در مسیر فرزندآوری زنان شاغل موارد زیر است:

- کمبود و اجرانکردن قانون مرخصی زایمان: ۲۱ نفر (۷۰ درصد) مرخصی زایمان ۶ ماه را سپری کرده بودند و ۴ نفر (۱۳/۳ درصد) ۴ ماه را گذرانده بودند، به دلیل اینکه پیش از تصویب قانون ۶ ماه زایمان کرده بودند، ۳ نفر (۱۰ درصد) نیز به دلیل اینکه در زمان زایمان کار ثابت نداشته‌اند بیش از ۲ سال پس از تولد فرزندشان به محیط کاری بازگشته‌اند و ۲ نفر (۶/۷ درصد) نیز با اینکه کار تمام‌وقت داشته‌اند یکی ۳ ماه پس از زایمان به دلیل نیاز مالی و دیگری ۱ ماه پس از زایمان به دلیل نبود امنیت شغلی به کار خود بازگشته‌اند.
- ساعات کاری زیاد، حجم زیاد مسئولیت‌ها و کمبود وقت: مشارکت‌کنندگان معتقدند ساعات کاری آن‌ها برای زنانی که مسئولیت‌های چندگانه‌ای دارند زیاد است و بهتر است در سال‌های ابتدایی پس از زایمان، به صورت پاره‌وقت اشتغال داشته باشند. جالب توجه است که کار پاره‌وقت مادران در قانون اساسی نیز در نظر گرفته شده است، ولی در عمل در اداره‌ها اجرا نمی‌شود. برخی نیز خواهان این بودند که ساعات شیردهی مادران افزایش پیدا کند. آنان بیان داشتند که پس از مادرشدن به دلیل مسئولیت‌های چندگانه و ساعات کاری زیاد، به شدت با کمبود وقت برای استراحت، تفریح و حتی انجام وظایف زناشویی مواجهند.

«انجام کارهای توی خونه برای زن شاغل مشکلات خاص خودش رو داره، نمی‌تونی بگی ۱۰۰ درصد خوبه. تا ۴ بعدازظهر سرکاریم، اونقدر انرژی نداریم که به بچه‌ها برسیم. باید خودمونو خوب شارژ کنیم تا وقتی رسیدیم خونه به همه کارامون برسیم. به‌هرحال بچه انتظار داره وقتی میری خونه براش وقت بزاری» (منصوره، ۳۲ ساله)

▪ نداشتن امنیت شغلی و ناهماهنگی محیط کار با مادرشدن: بیشتر مصاحبه‌شوندگان نداشتن امنیت شغلی را یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خود نام بردند و بیان داشتند که این احساس مانع از این می‌شود که آن‌ها به داشتن فرزند بعدی بیندیشند. علاوه بر این، آنان اشاره کردند که برای گرفتن مرخصی در زمان بیماری فرزندشان، همکاری لازم با آن‌ها صورت نمی‌گیرد.

«البته من خودم زیاد دغدغه امنیت شغلی رو نداشتم، یه وقتایی که بهش فکر می‌کردم می‌گفتم ولش کن، حالا مگه می‌خوان چی کار کنن؟ بگن تو قراردادی هستی دیگه نیا؟ شایدم برام بهتر باشه، می‌شینم تو خونه وقتی بچه‌ام بزرگ شد دوباره کار پیدا می‌کنم، اما دوستایی داشتم که توی شرکتای خصوصی کار می‌کردن، می‌گفتن: بعد مرخصی زایمان، دیگه موقعیت قبلو نداریم از مدیر یه بخش، تبدیل شدیم به متصدی امور یه چیزی، سقوط خیلی زیادی داشتند» (فیروزه، ۳۴ ساله).

▪ نگهداری از فرزند و انجام وظایف‌خانه: مشکل دیگر در این زمینه، چگونگی نگهداری از فرزند و انجام وظایف خانه پس از بازگشت به محیط کار است. پاسخگویان با نگرانی‌های زیادی در این رابطه مواجه بودند و مهدکودک‌های موجود را برای نگهداری از فرزندشان مناسب نمی‌دانستند.

▪ مخالفت همسر با اشتغال بعد از مادرشدن: برخی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند به دلیل رسیدگی ناکافی به فرزند همسرانشان نگاه موافقی به اشتغال آن‌ها ندارند و به‌جای کمک برای حل مشکلات، مخالف کارکردن زنان می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

کنش‌ها و تصمیمات باروری افراد نه‌تنها بر ارزیابی کنشگران از شرایط حال و آینده خود برای افزایش سودمندی و رفاه خانواده مبتنی می‌شوند، بلکه این رفتارها هنجاری، عاطفی و برخاسته از بافتار فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است. تحولات گسترده در نقش‌های زنان در جامعه موجب شده تا حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی و فضاهای عمومی افزایش یابد و با افزایش استقلال در جنبه‌های مختلف زندگی، موقعیت و پایگاهی بالاتر در مقایسه با دهه‌های قبل داشته باشند. این

امر زمینه تغییر در کنش‌های باروری (رفتار، تمایلات و ایده‌آل‌های باروری) زنان را فراهم کرده است. افزایش سطح تحصیلات، اشتغال، بهبود موقعیت و استقلال زنان از طریق کاهش منافع و افزایش هزینه‌های فرزندان (به‌ویژه هزینه فرصت)، توجه بیشتر به کیفیت فرزندان، تسریع تغییرات فرهنگی و اشاعه و پذیرش ایده‌های مدرن، باروری را به شدت تحت تأثیر قرار داده و به پایین‌تر از سطح جانشینی در ایران کاهش داده است.

براساس نتایج مقاله، مادری و فرزندآوری برای زنان شاغل اهمیت زیادی دارد، اما این ارزش عمدتاً با یک فرزند برطرف شده و زنان به هدف خود از این لحاظ دست می‌یابند، در نتیجه لزومی نمی‌بینند که در شرایط امروزی تعداد بیشتری فرزند داشته باشند. همچنین، امروزه توقع جامعه از زنان شاغل تنها به این امر محدود شده است که تا پایان دوران باروری خود، حتماً یک فرزند داشته باشند و به اینکه چند سال پس از ازدواج اقدام به فرزندآوری می‌کنند علاقه‌ای نشان نمی‌دهد، ولی همچنان در برابر زنانی که تصمیم می‌گیرند نقش مادرشدن را به‌طور کامل کنار بگذارند حساس است و واکنش‌های سخت‌گیرانه‌ای نشان می‌دهد؛ با این حال همان‌طور که نظریه‌های برابری جنسیتی (مک‌دونالد، ۱۹۹۷) و نظریه‌های اقتصادی (بکر، ۱۹۶۰؛ فریدمن و همکاران ۱۹۹۴) بیان می‌کنند به دلیل نقش‌های چندگانه، حجم مسئولیت‌ها و همچنین هزینه فرصت بسیار برای زنان شاغل، آنان تصمیم می‌گیرند باروری خود را کاهش دهند و مادری را با یک فرزند تجربه کنند. این یافته با نتایج مطالعه اندرسون و همکاران (۲۰۰۲) هم‌خوانی دارد؛ بدین‌صورت که زنانی با تحصیلات بالاتر، فرصت‌های اقتصادی و منابع جایگزین بیشتری در مقایسه با زنانی با تحصیلات کمتر دارند و در نتیجه کمتر درگیر نقش مادری و فرایند فرزندآوری می‌شوند.

از نظر مشارکت‌کنندگان، امروزه دیگر جنبه‌های اقتصادی در فرزندآوری مدنظر نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد بعد عاطفی داشتن فرزند، رسیدن به تکامل در ابعاد مختلف و رفع برخی نیازهای اجتماعی از جمله طی کردن روند طبیعی زندگی، معنابخشی به ازدواج، بقای نسل، مبراشدن از ناباور بودن و وقت‌گذراندن در ایام پیری با فرزند خود است. این نتیجه بیانگر تغییر در ارزش فرزندان و مادری در بستر افزایش نرخ مشارکت و اشتغال زنان است (فریدمن ۱۹۹۴؛ مورگان، ۲۰۰۳).

این مادران در دوران بارداری و پس از تولد فرزندشان، علاوه بر اینکه با سختی‌هایی که مادران غیرشاغل پشت سر می‌گذارند مواجه بوده‌اند، مشکلات مضاعفی را نیز به دلیل شاغل بودن پیش

روی خود داشته‌اند؛ مانند نگرانی از بازگشت مجدد به محیط کار، نگرانی از سپردن فرزند به مهدکودک، عذاب وجدان به دلیل صرف‌نکردن زمان کافی برای فرزند و... که دلیل همه این‌ها این است که مادربودن ممکن است بسیار سخت و طاقت‌فرسا باشد و شاغل‌بودن نیز سختی‌های خاص خود را دارد؛ به عبارتی دیگر مادربودن و شاغل‌بودن، هریک شغلی تمام‌وقت است که تجربه مادری دشوارتری را برای این دسته از زنان رقم می‌زند؛ از این‌رو، مادران شاغل تحصیل‌کرده به دلیل برعهده‌داشتن مسئولیت‌های چندگانه اعم از مادری، شاغل‌بودن، همسری، وظایف خانه‌داری و در برخی موارد دانشجویبودن، تجربه به‌مراتب سخت‌تری در مقایسه با سایر مادران دارند و این تجربه دشوار معمولاً آنان را از داشتن فرزندان بعدی نهی می‌کند. نتایج پژوهش با مطالعات پیشین (نظیر کورمن و نیومارک ۱۹۹۲، وود و نیوتن ۲۰۰۶؛ مقصودی و بستان ۱۳۸۳؛ اسحاقی و همکاران ۱۳۹۳؛ احمدی فراز و همکاران ۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد که مادرشدن هزینه‌های گوناگون، به‌ویژه هزینه‌های زمانی بیشتری را برای زنانی که شاغل هستند تحمیل می‌کند و زنان، مادری را مانع موفقیت‌های شغلی خود می‌دانند. همان‌طور که میسرا و همکاران (۲۰۰۷) می‌گویند مسائل و چالش‌های مادری برای زنان شاغل، زمانی که سیاست‌های حمایت از خانواده محدود است تشدید می‌شود؛ با این حال این زنان با وجود همه مشکلات موجود، برای مادرشدن اهمیت زیادی قائل‌اند و داشتن یک فرزند را لازمه زندگی می‌دانند؛ چون تجربه منحصربه‌فردی از نظر عاطفی و معنوی خواهند داشت که ارزش آن با هیچ‌چیز دیگر مقایسه نمی‌شود، ولی لزومی به داشتن تعداد بیشتری فرزند احساس نمی‌کنند.

به‌طورکلی می‌توان از این مقاله نتیجه گرفت که زنان شاغل در فرایند مادری خود با پارادوکسی سخت و لذت‌بخش مواجهند. بخشی از این وضعیت به شرایط کاری و شغلی این دسته از زنان برمی‌گردد. زنان شاغل با توجه به داشتن نقش‌های چندگانه مادری و کاری، عمدتاً با فشار نقش مواجهند و همین وضعیت سبب شده است تا با مسائل و چالش‌های متعددی مواجه شوند؛ با این حال، علی‌رغم مسائل و چالش‌های مادری برای زنان شاغل، مادری ارزش خاص خود را دارد و بیشتر مشارکت‌کنندگان با عشق و علاقه مادر شده‌اند، اما نکته مهم این است که بیشتر این زنان به دلیل شرایط ساختاری و محیطی مادری را در داشتن یک فرزند تعریف می‌کنند؛ به بیان دیگر، شرایط شغلی را محدودکننده فرزندآوری بیشتر می‌دانند.

منابع

- ابوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: نشر دنیای مادر.
- احمدی فراز، منصوره؛ عابدی، حیدرعلی و آذربرزین، مهرداد (۱۳۹۳)، «تبیین تجارب زنان شاغل پیرامون نقش مادری: یک پژوهش کیفی پدیدارشناسی»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، شماره ۲: ۱۳۷-۱۴۸.
- اسحاقی، محمد و همکاران (۱۳۹۳)، «چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱: ۱۱۱-۱۳۴.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۲)، «سنجش تأثیرات اشتغال زنان بر خانواده و روابط اجتماعی (مطالعه موردی شهر آران و بیدگل)»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۳: ۴۲۷-۴۵۱.
- تانگ، رزمی (۱۳۸۷)، *نقد و نظر درآمدهای جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی.
- حسینی، حاتم و بگی، بلال (۱۳۹۱)، «استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان کرد شهرستان مهاباد»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۴: ۵۷-۷۸.
- دوبووار، سیمون (۱۳۸۰)، *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: انتشارات توس.
- صادقی، رسول (۱۳۹۵)، «تحلیل بسترها و مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی کاهش باروری در ایران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، شماره ۲۰: ۲۱۷-۲۴۶.
- ضیایی بیگدلی محمدتقی؛ کلانتری، صمد و علیزاده اقدم، محمداقبر (۱۳۸۵)، «رابطه میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۱: ۱۲۳-۱۴۰.
- عباسی شوازی، محمدجلال و حسینی، حاتم (۱۳۸۸)، «تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کرد و ترک»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۲: ۵۵-۸۴.
- عباسی شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۹۲)، *وضعیت جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی جوانان در ایران*، گزارش پژوهشی، پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران و صندوق جمعیت ملل متحد.
- عباسی شوازی، محمدجلال و علی‌مندگاری، ملیحه (۱۳۸۹)، «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آن‌ها در ایران»، *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۱: ۳۱-۵۱.
- مقصودی، سوده و بستان، زهرا (۱۳۹۳)، «بررسی مشکلات ناشی از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی زنان شاغل شهر کرمان»، *فصلنامه مطالعات زنان*، شماره ۵: ۱۲۹-۱۵۰.
- Abbasi-Shavazi, M.J., McDonald, P., and Hosseini-Chavoshi, M. (2009). *The Fertility Transition in Iran*, Springer Press.
- Anderson, D. J., Melissa, B., and Krause, K. (2002), "The Motherhood Wage Penalty: Which Mothers Pay It and Why?", *American Economic Review*, No. 92: 354-358.

- Becker, G. (1960), **An Economic Analysis of Fertility**, Columbia University Press, the National Bureau of Economic Research.
- Caldwell. J. C. (1978). "A Theory of Fertility: from High Plateau to Destabilization", **Population and Development Review**, No. 4: 553-577.
- Friedman, D., Hechter, M., and Kanasawa, S. (1994), "A Theory of the Value of Children", **Demography**, No. 31:375- 401.
- Khosrokhavar, F. and Ghaneirad, M. A. (2010), "Iranian Women's Participation in the Academic World", **Iranian Studies**, No. 2: 223-238.
- Korenman, S. and Neumark, D. (1992), "Marriage, Motherhood, and Wages", **Journal of Human Resources**, No. 2: 233-255.
- McDonald, P., (1997). "Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility", **Working Papers in Demography** 69, Canberra: The Australian National University.
- Misra, J., Moller, S., and Budig, M. J.. (2007). "Work-Family Policies and Poverty for Partnered and Single Women in Europe and North America", **Gender & Society**, No. 21: 27-804.
- Morgan, P. (2003). "Is Low Fertility a Twenty-First-Century Demographic Crisis?", **Demography**, No.4: 589–603.
- Van de Kaa. and Dirk, J. (2002). "The Idea of a Second Demographic Transition in Industrialized Countries", Paper presented at the **Sixth Welfare Policy Seminar** of the National Institute of population and Social Security, Tokyo, Japan, 29 January.
- Wood, G., and Newton, J. (2006). "Childlessness and Women Managers: Choice, Context, and Discourses", **Gender, Work and Organization**, No. 13: 58-338.